

تأملی بر مفهوم برابری در اندیشه خبرگان قانون اساسی (۱۳۵۸)

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

علی دارایی^۱
علی مشهدی^۲
صدیقه قارلغی^۳

چکیده

برابری در مفهوم حقوقی‌اش هنجاری فلسفی محسوب می‌شود که بسیاری از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین موجود در قانون اساسی از آن سرچشمه می‌گیرد. در پژوهش پیش رو نویسندگان پس از بررسی و پی‌ریزی جنبه نظری برابری و انواع آن (برابری شکلی و برابری ماهوی)، به توصیف و ارزیابی گفتارهای مندرج در صورت نهایی مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ که به تصویب اصول مربوط به برابری منتهی شد، پرداخته‌اند. پرسش‌های اصلی تحقیق این است که اعضای خبرگان قانون اساسی سال ۱۳۵۸ چه قرائت‌هایی از برابری شکلی و ماهوی داشته‌اند؟ آنان به‌رغم پذیرش انواع برابری در متن قانون اساسی، از انواع برابری در مجلس خبرگان برداشت‌های گوناگونی داشته‌اند. گرچه آنان قرائت‌های اختلافی ظاهری و جزئی از برابری شکلی داشتند، اما در نهایت، اصل برابری شکلی را در اصول مرتبط گنجانده‌اند. از سوی دیگر، برابری ماهوی در دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی معنایی نسبی و شکننده دارد؛ به این معنا که با وجود مقبولیت پاره‌ای از مصادیق برابری ماهوی نظیر حقوق مربوط به تبعیض مثبت در نگرش اعضای خبرگان قانون اساسی در تصویب اصول مرتبط، به سبب توجه به آموزه‌های دین اسلام در خصوص برابری و موازین آن و مذهب تشیع به‌عنوان رکن اولیه و خطوط راهبردی تقنین، پاره‌ای از مصادیق برابری ماهوی در قانون اساسی با قید موازین اسلامی همراه شده است.

واژگان کلیدی: برابری، برابری شکلی، برابری ماهوی، تبعیض مثبت، خبرگان قانون اساسی.

ali66.daraee93@gmail.com

droitenviro@gmail.com

gharloghi.sedighe@gmail.com

۱. کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار دانشگاه قم، ایران

۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه قم، ایران

مقدمه

مشروح مذاکرات هر قانون، به‌ویژه قانون اساسی، مهم‌ترین منبع برای تفسیر هر قانون و یافتن اراده حقیقی قانون‌گذار است.^۴ بی‌تردید، قانون اساسی از این قاعده بنیادین مبرا نیست و در علم حقوق اساسی چه‌بسا اولویتی هم داشته باشد. بر این مبنا، پی‌جویی برداشت‌های اولیه اعضای خبرگان قانون اساسی از مفاهیم و محتوای قانون اساسی و تفسیر آن‌ها، خصوصاً با عنایت به پراکندگی برداشت‌هایی که مقامات برخاسته از قانون اساسی کشور از این مفاهیم در نظر و در عمل دارند، از ضروری‌ترین تحقیقات قلمداد می‌شود. بر این مبنا برخی از تغییرناپذیری بعضی مفاهیم قوانین اساسی در طول تحولات سیاسی-اجتماعی سخن گفته‌اند.^۵

برابری از مفاهیم نوین حقوق اساسی است که به‌وسیله اعضای خبرگان قانون اساسی در قانون اساسی جوامع گنجانده و مستقر شده است. این مفهوم تقریباً در اکثر قوانین اساسی کشورها منعکس گردید و به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی نظام سیاسی-حقوقی محسوب می‌شود.^۶ اعضای خبرگان قانون اساسی ایران نیز در سال ۱۳۵۸ در اصول گوناگونی مفهوم برابری را به‌کار برده است (بند چهاردهم اصل ۳، اصول ۱۹ و ۲۰، اصل ۱۰۱، قسمت اخیر اصل ۱۰۷). همچنین در برخی اصول تلویحاً به مفهوم برابری التفات داشته است (بندهای سوم و نهم اصل ۳، اصول ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۱۵۶). بر این پایه، بایسته و شایسته است که به مفهوم برابری در مذاکرات خبرگان قانون اساسی و نیز اصول تصویبی آنان پرداخته شود و مهم‌تر اینکه برداشت‌های گوناگون در درون مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مورد تفسیر و ارزیابی قرار گیرد تا از این منظر در راستای درک بهتر قانون اساسی و شناخت نگرش

۴. مجتبی، واعظی، «ارزش حقوقی مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی»، حقوق اساسی، ش ۳ (۱۳۸۳)، ص ۱۸۹.
5. Otto, Pfersmann, "De l'impossibilité du changement de sens de la constitution". (2009). *Revue juridique de l'USEK*. — N° 10, p. 423.

۶. برای ملاحظه تأثیر این مفهوم در قوانین اساسی برای نمونه، ر.ک.

Victor, Monnier. "Les péripéties de l'égalité en Suisse, de l'époque révolutionnaire à la première Constitution fédérale". (2006): p. 131. Ferdinand, Mélin-Soucramanien. *Le principe d'égalité dans la jurisprudence du Conseil constitutionnel*. (PhD diss. Aix-Marseille, 1996.3) Chiara, Preite. *Les constitutions italiennne et française et le principe d'égalité: une approche linguistique*. Buon compleanno, Costituzioni. La circolazione di principi e istituzioni tra Europa e America: influenze reciproche tra le Costituzioni di Stati Uniti, Messico, Brasile, Italia, Francia, Spagna. (2008, Vol. 3).

اعضای این مجلس، مجدداً بازخوانی و بازشناسی شوند. از سوی دیگر، گرچه برابری مد نظر خبرگان قانون اساسی بوده، اما با توجه و دقت در مذاکرات خبرگان قانون اساسی و اصول منتهی به آنها که قیود و حدود اسلامی و موازین و احکام اسلام را به عنوان یک قاعده برای همه اصول در نظر گرفته بودند، لازم است که گستره و شروط و خطوط آنها نیز بررسی و تعیین گردند.

همان طور که خواهد آمد، در این مقاله برابری به دو نوع شکلی و ماهوی تقسیم می‌شود. تاکنون تحقیقی با موضوع اختصاصی تحلیل برابری در مجلس خبرگان قانون اساسی از سوی محققان منتشر نشده، لیکن بعضی از پژوهشگران با انجام تحقیق در مورد برخی از حقوقی که زیر عنوان برابری ماهوی جای می‌گیرند، به این مهم همت گمارده‌اند که به برخی از آنها در این مقاله ارجاع داده می‌شود و از آنها بهره‌برداری لازم شده است.

در این پژوهش، با تمسک به شیوه تحلیلی-توصیفی و جمع‌آوری منابع از طریق کتابخانه سعی نویسندگان بر آن است که ابتدا از منظر نظری مفهوم و انواع برابری تشریح شود و سپس به بررسی و ارزیابی نگرش‌های خبرگان قانون اساسی درباره برابری بپردازند. در این راستا، قلمرو مطالعاتی نویسندگان در مشروح مذاکرات قانون اساسی ۱۳۵۸ مطالعه موردی اصول ۳، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۴۸، ۱۰۱ و ۱۱۵ قانون اساسی است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که اعضای خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ از انواع برابری در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی چه قرائت‌هایی داشته‌اند؟ در پایان تحقیق، نتیجه استنباطی از مشروح مذاکرات قانون اساسی که در واقع، تنوع دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی نسبت به مفهوم برابری و انواع آن بوده است و همچنین تطبیق اصول مرتبط قانون اساسی با آنها بیان خواهد شد.

۱. مفهوم برابری

در لغت برابر به معنای هم‌وزن، هم‌سنگ و مقابل ذکر شده^۷ و همچنین برابری را به معنی یکسانی و مساوات آورده‌اند^۸. برابری در فلسفه حقوق مفهومی نوین و امروزی دارد و

۷. حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، (تهران: امیرکبیر، ج ۳۶، ۱۳۸۶)، ص ۲۸۸.

۸. علی‌اکبر، دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۰، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۵)، ص ۷۸۹.

فراتر از کلمه‌ای با معنای واحد است. همچنین در حقوق عمومی یکی از مبانی حاکمیت قانون است.^۹ از این منظر، می‌توان برابری را هنجاری فلسفی دانست که بسیاری از حقوق بنیادین از آن سرچشمه می‌گیرد. هنجاری که حقیقتاً بودنش موجب قوام انسان و نبودنش سبب نابودی یا محدودیت حقوق انسانی اوست.^{۱۰} بر این پایه، دولت به‌خصوص مراجع قانون‌گذار باید در زندگی مردم رفتاری مستقل و بی‌طرف داشته باشند. در صورت نقض این دیدگاه، بدون تردید برابری در ظرف حقوق و نیز نظام اجتماعی محقق نخواهد شد.^{۱۱}

در مورد قلمرو مفهوم برابری اختلافات بسیاری در لایه‌های سیاست و اجتماع وجود دارد.^{۱۲} با این حال در راستای حل این مسئله، قاعده حقوقی این است که مدیریت امور اجتماعی و دولتی باید بر مبنای قاعده یکسان انگاشتن مردم در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها و تکالیف استوار باشد. چنانچه حکمرانی بر پایه منافع و مقاصد و افکار جهت‌دار و باورهای گروه‌های خاص و مکاتب ویژه انجام شود، در جامعه تقسیم‌بندی‌های ناعادلانه صورت می‌گیرد و ممکن است برخی از گروه‌ها و اصناف در بهره‌مندی از حق‌ها و مزایا بر بعضی دیگر اولویت و برتری یابند. رعایت قاعده یادشده منتج به این مهم می‌شود که اعمال و دستورات مقامات باید ریشه در قواعد همگانی و عرفی و مقاصد منطقی و خردگرایانه داشته باشند و بر مبنای انگیزه‌ها و ایدئولوژی‌های ویژه تصمیم‌گیری نکنند.^{۱۳}

۱.۱. تشریح مفهومی برابری شکلی و ماهوی

دو قرائت از برابری وجود دارد که نظریه‌پردازان حقوق ارائه داده‌اند؛ برابری شکلی و برابری ماهوی. برابری شکلی ناظر بر وضعیتی است که وقتی دو نفر حداقل از نظر یک قاعده مربوط به یکدیگر دارای وضعیت مساوی باشند، باید به‌طور مساوی با آنها رفتار

۹. احمد، مرکز مالگیری، حاکمیت قانون، مفاهیم مبانی و برداشت‌ها، (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵)، ص ۱۰۵.

۱۰. علی‌اکبر، گرجی اندریانی، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، حقوق اساسی، ج ۲، (۱۳۸۳)، ص ۹.

۱۱. تامس، نیگل، برابری و جانبداری، مترجم: جواد حیدری، (تهران: نگاه معاصر، چ ۱، ۱۳۹۴)، ص ۸۸.

۱۲. برای بررسی بیشتر این مفهوم، نک:

Stanford Encyclopedia of Philosophy First published, Tue Mar 27, 2001; substantive revision Wed Jun 27, 2007. <https://plato.stanford.edu/entries/equality/>.

۱۳. محمدحسین، زارعی، حاکمیت قانون و دموکراسی، (تهران: خرسندی، چ ۱، ۱۳۹۴)، صص ۴۰-۴۱.

شود.^{۱۴} گیراترین و شایع‌ترین نوع برابری شکلی، تساوی اشخاص در مقابل قانون است. به‌موجب این برداشت، تمامی شهروندان و مقامات در مقابل قانون از برابری یگانه‌ای برخوردارند و اصولاً همه اشخاص از حقوق و مزایای قانونی منتفع می‌شوند.^{۱۵} به دیگر سخن، برابری شکلی به مفهوم برخورداری از خدمات عمومی و حقوق قضایی و مانند این‌ها برای یکایک شهروندان تفسیر می‌شود.^{۱۶} لذا بر این اساس گفته شده است که عدالت حقوقی ایجاب می‌نماید که با برابرها یکسان رفتار شود.^{۱۷}

برابری ماهوی برداشتی دیگر از برابری است که حقوق گسترده‌تری را برای افراد تعریف می‌کند؛ بر اساس این قرائت، برآورده کردن خواسته‌ها، نیازمندی‌ها و انتفاع همه شهروندان و گروه‌های جامعه باید سرلوحه نگارش قانون قرار گیرد. در این برابری، هیچ فرد و صنفی نباید از حقوق، خدمات و امتیازات بی‌بهره بماند. از این رو، هر فرد یا گروه باید از حق‌ها و آزادی‌ها و مزایایی منتفع شود؛ چه افراد سالم و چه ناتوان، چه مرد و چه زن، چه دین‌دار و چه غیر دین‌دار و مانند اینها. به‌موجب این برداشت مقررات حمایتی متعددی برای شهروندان و اصناف و اجتماعات وضع می‌شود.^{۱۸} تبعیض مثبت در واقع، اتخاذ روش‌ها و پیش‌بینی حقوق متفاوت و متمایزی است برای تأمین حق‌ها و مزایای افراد و گروه‌های خاص اجتماعی که در جهت جبران کمبود نابرابری‌های حقوقی آنان به‌کار گرفته می‌شود. به دیگر سخن، تبعیض مثبت کوششی حقوقی است به‌ظاهر ناعادلانه، اما در راستای نهادینه‌سازی و توسعه برابری.^{۱۹} در این راستا، برخی از قوانین اساسی نظیر قانون اساسی ایران، اصل برابری را مبنای ارائه خدمات عمومی خویش مثل ارائه آموزش و پرورش رایگان و امکانات رفاهی

14. Stanford Encyclopedia of Philosophy *First published, Tue Mar 27, 2001; substantive revision Wed Jun 27, 2007.* <https://plato.stanford.edu/entries/equality/>.

۱۵. محمدرضا، ویژه، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، حقوق اساسی، ج ۲، (۱۳۸۳)، ص ۲۳۶.

۱۶. محمدرضا، ایران‌منش، مفهوم شهروندی، (تهران: نگاه معاصر، چ ۱، ۱۳۹۴)، ص ۱۱۲.

17. West, R. (2004). *Re-imagining justice: Progressive interpretations of formal equality, rights, and the rule of law.* Aldershot, U.K./Burlington p. 107.

۱۸. احمد، مرکز مالگیری، حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشتها، (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۴)، صص ۱۱۱-۱۱۲.

۱۹. علی‌اکبر گرجی، و همکاران، «تبعیض مثبت: تبعیض عادلانه یا درمان اثرات تبعیض»، تحقیقات حقوقی، ش ۱۴۶ (۱۳۹۰)، صص ۳۳۷-۳۳۸.

که در مفهوم تبعیض مثبت محل بحث است، قرار داده‌اند.^{۲۰}

با دقت در اصول برابری ماهوی، روشن می‌شود که قوانین عام با الزامات و انتفاعات ویژه برای افراد خاص مابینت دارد. التزام دولت به تصویب قانون عام افزون بر اینکه از برابری عموم پاسداری می‌کند، چون در روابط خود با مردم مستقل عمل می‌نماید، به حقها و امتیازات شهروندان تعدی و تجاوز نمی‌کند و با اعطای حقها و آزادی‌ها به آنان در روابط و مناسبات خویش با شهروندان رفتاری یکسان دارد.^{۲۱} بر این اساس، نگارنده قانون بایستی از گنجانیدن پیش‌فرض‌ها و نظریات ایدئولوژیک و خاص پیشینی در قانون خودداری کند و ضوابط عام و عادلانه‌ای در قانون تحریر نماید.

۲. بررسی و توصیف انواع برابری در نگرش خبرگان قانون اساسی

یک بند و یک اصل در پیش‌نویس قانون اساسی به برابری شکلی اختصاص یافته و هر دو به تصویب اکثریت مطلق نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی رسیده است. بند چهاردهم اصل ۳ برابری همه مردم را در مقابل قانون پیش‌بینی کرده و نیز قسمت نخست اصل ۲۰ از کلیه افراد (زن و مرد) در مقابل قانون حمایت نموده است. تصویب این موارد، تأیید برابری شکلی از منظر اعضای خبرگان قانون اساسی محسوب می‌شود. بدون تردید منظور اعضای خبرگان قانون اساسی این است که همه افراد با عنایت به حقوق موجود در نظام حقوقی ایران به‌طور مساوی از آن حقوق بهره‌مند شوند، لذا مقصود این نیست که هر فرد نسبت به سایر افراد از حقوق مساوی در کلیه حوزه‌ها برخوردار خواهد بود، چراکه قیود موازین و احکام اسلام و رسمیت دین اسلام و مذهب شیعه در سایر اصول قانون اساسی اقتضای هر نوع برابری را ندارد. اقتضای اصل ۴ (کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد) و تقیید حقوق مساوی افراد به‌موجب عبارت با رعایت موازین اسلام در اصل ۲۰ (همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی،

۲۰. محمدجواد رضایی‌زاده، و داوود کاظمی، «بازشناسی نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران»، مطالعات حقوقی معاصر، ش ۵ (۱۳۹۱)، ص ۴۳.

۲۱. محمدرضاء، ویژه، مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، ج ۱، (تهران: جنگل، چ ۱، ۱۳۹۰)، ص ۳۵۱.

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند)، مدعی اخیر را اثبات می‌کند. در ادامه به توصیف برداشت‌های گوناگون خبرگان قانون اساسی از برابری شکلی پرداخته خواهد شد.

۲.۱. برداشت‌های گوناگون خبرگان قانون اساسی از برابری شکلی

همان‌طور که خواهیم دید، در میان نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی تنوع دیدگاه‌های جزئی و ظاهری نسبت به مفهوم برابری شکلی به چشم می‌خورد؛ با این توضیح که از سویی این پیشنهاد مطرح شد که مقرر شود افراد «از حقوق برابر در مقابل قانون برخوردار هستند»^{۳۲}، اما از سویی دیگر در مجلس خبرگان میان سه فقیه درباره برابری شکلی اختلافی نسبتاً ظاهری وجود داشت. آقایان موسوی تبریزی، خامنه‌ای و بهشتی سه فقیهی بودند که درباره قید «در برابر قانون» و «در حمایت قانون» اختلاف نظر داشتند. آقای موسوی تبریزی معتقد بود که عبارت «در حمایت قانون بهتر است، چون گاهی قضیه قتل زن و مرد پیش می‌آید که این دو در برابر قانون مساوی نیستند و اگر در برابر قانون باشد، صحیح نیست؛ اما آقای خامنه‌ای که دریافتی سازگار با برابری شکلی داشت، این‌گونه اظهار نظر نمود که «در حمایت قانون» مزیتی بر «در برابر قانون» ندارد، درحالی که در برابر قانون در هر موردی که فرد در مقام اعمال حق یا محکومیت باشد از او حمایت می‌شود؛ از همین رو، در برابر قانون مناسب‌تر است. شهید بهشتی نیز با پذیرش همین استدلال آقای خامنه‌ای موضوع را تأیید کرد^{۳۳}. از تفسیر آقای موسوی تبریزی چنین فهمیده می‌شود که وی از برابری شکلی که دربرگیرنده مفهوم و محتوای کامل آن باشد، برداشتی نداشته است. گرچه وی حمایت قانونی افراد را می‌پذیرد، ولی تساوی همگان در مقابل قانون به معنی برخورداری همه افراد از حقوق قانونی موجود است و این مغایرتی با مواردی مثل تفاوت قتل ندارد.

شخص دیگری که بی‌پرده با برابری شکلی مخالفت کرد، آقای فاتحی بود. وی با

۳۲. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، (تهران: اداره کل امور فرهنگی و

روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۴)، ص ۶۲۶.

۳۳. همان، صص ۶۱۶-۶۱۷.

برداشتی نادرست از برابری شکلی (چون آن را مساوی با برابری ماهوی می‌دانست) به‌وضوح با استناد به آیه‌ای از قرآن کریم و تشریح علت نزول آن می‌گوید که تساوی زن و مرد ممکن نیست. دریافت وی از برابری شکلی با واکنش آقای ربانی املشی روبرو شد. املشی در پاسخ به او به‌طور تلویحی گفت که در برابر قانون متفاوت است با گفته شما. واکنش آقای ربانی املشی که صریح‌تر شد، اشاره به پخش سخنان از رادیو و تلویزیون کرد و گفت: کسی نیست که جواب ایشان را بدهد؟ با وجود این، آقای فاتحی بر نظر خود اصرار می‌ورزید و چنین ادامه داد: «در اسلام بین زن و مرد یک امتیازهایی است و به‌طور طبیعی ممکن است مساوی باشند ... طبق مقررات شرع که متناسب با استعدادها باشد که این هم اجمالی است. کیست که از زمینه‌های عاطفی یا روحی یا طبیعی افراد اطلاع نداشته باشد؟»^{۲۴}.

توصیف برداشت‌های خبرگان قانون اساسی از برابری شکلی نشان داد که برابری افراد در مقابل قانون در منظومه فکری آنان مقبول افتاده است، گرچه بعضاً برداشت‌های نادرست از برابری شکلی یا اختلاف نظرهای جزئی درباره آن ابراز نمودند.

۲.۲. توصیف و بررسی برابری ماهوی در مجلس خبرگان قانون اساسی

به‌رغم پذیرش برابری شکلی در مجلس خبرگان قانون اساسی با وجود اختلافات ظاهری آنان، مقبولیت برابری ماهوی در مشروح مذاکرات با شکنندگی مواجه بوده است. چون آن‌طور که از سخنان اعضای خبرگان قانون اساسی استنباط می‌شود، به استثنای حقوق متأثر از تبعیض مثبت، اکثریت آنان به‌طور کامل با کلیه حقوقی که از چشمه برابری ماهوی نشئت می‌گیرند، موافق نبودند. به‌عبارتی، اعضای خبرگان قانون اساسی بعضی از مصادیق برابری ماهوی را تصویب کردند، ولی به سبب دیدگاه‌هایی که خواهیم دید، کلیه وجوه برابری ماهوی مقبول آنان نیفتاد. ردّ بعضی از مصادیق برابری ماهوی و تقلیل آن به برخورداری افراد از حقوق پذیرفته‌شده در قانون اساسی، در اختلافات بر سر اصول ۱۹ و ۲۰ و به شکلی آشکارتر در بهره‌مندی زن و مرد از حقوق انتخاباتی متبلور شد. در ادامه، مشروح این مباحث با تقسیم‌بندی به سه طیف از موافقان برابری شکلی، تبعیض مثبت و موافقان پاره‌ای از مصادیق برابری ماهوی و ردکنندگان برابری ماهوی پی گرفته می‌شود.

۲.۱. توصیف آرای اعضای خبرگان قانون اساسی درباره برخی از حقوق برگرفته از تبعیض مثبت

در بخش دیدگاه‌های موافق برابری ماهوی، بررسی مذاکرات منتهی به تصویب اصول مربوط به تبعیض مثبت که تقریباً مورد تأیید تمام اعضای خبرگان قانون اساسی قرار گرفت، سودمند خواهد بود. گفتگوها پیرامون اصول حاوی تبعیض مثبت در مشروح مذاکرات اغلب جزئی بوده و اختلاف نظرها عمیق نبوده است. بلکه تقریباً همه خبرگان اشکال گوناگون تبعیض مثبت را پذیرفتند. مذاکرات پیرامون بند نهم اصل ۳ (رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی) جالب توجه بود. در متن پیشنهادی به جای کلمه عادلانه، مساوی قید شده بود. به همین سبب آقای فاتحی پیشنهاد حذف مساوی را داد و نایب رئیس با تکمیل پیشنهاد وی، کلمه عادلانه را جایگزین مناسبی دانست که در پایان همین تقاضا تصویب شد. عده‌ای از اعضای خبرگان قانون اساسی به عللی مبهم و ناروشن، خواهان حذف تبعیض ناروا و نیز عدم نیاز به تصریح این بند شدند. از نظر آقای کیاوش، تبعیض در همه موارد ناروا است و تبعیض روا وجود ندارد. به عقیده آقای سبحانی، اگر بند مربوط به تأمین آزادی سیاسی و اجتماعی و مشارکت عامه مردم در سرنوشت خویش تصویب شود، نیازی به رفع تبعیض‌های ناروا وجود ندارد. از سوی دیگر، آقای مکارم شیرازی با این بند موافق بود، چراکه از نگاه او تبعیض ناروا مفهومی فراتر از مفاهیم گذشته را به ذهن متبادر می‌سازد.^{۲۵}

نمود دیگری از توجه و موافقت با تبعیض مثبت در مجلس خبرگان قانون اساسی مذاکرات در مورد بندهای دوم (حمایت مادران، به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست) و چهارم (ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سال‌خورده و بی‌سرپرست) اصل ۲۱ بود. آقای رشیدیان معتقد بود که جلوگیری از استثمار کودکان نیز باید در این بند گنجانده شود، زیرا در بعضی از خانواده‌های ندار، کودکان را قبل از موعد مناسب به کار می‌گمارند. همچنین پیشنهاد تکفل به‌جای بیمه را داد. پیشنهادی که مورد تصویب قرار نگرفت. عده‌ای همچون آقایان فاتحی و طاهری اصفهانی حمایت از

کودکان بی‌سرپرست را بی‌ارتباط با تضمین شخصیت و حقوق زن می‌دانستند. آقای مکارم شیرازی در پاسخ به آنان گفت که بند دوم مربوط به زنان فاقد همسر است و این بند و تضمین حقوق زن به همدیگر عطف می‌شوند. تعدادی از خبرگان خواهان آن بودند که مصادیق تبعیض مثبت در این اصل توسعه داده شود. خانم منیره گرجی بر این عقیده بود که فرزندان زنان شاغل مخصوصاً در دوران بارداری و حضانت فرزند باید تحت حمایت قرار گیرند. علاوه بر این، وی تقاضای تجدیدنظر در خصوص تبعیضات نابجا در حق زنان را داشت. آقای نوربخش به شکلی دیگر حمایت خود را از تبعیض مثبت بیان کرد. وی بر این باور بود که بایستی به این نحو نوشته شود: «تأمین اجتماعی خاص زنانی که از حمایت مادی خانواده برخوردار نباشند». آقای مقدم مراغه‌ای فراتر از آنان پیشنهاد داد که حمایت از همهٔ کودکان به طور اعم پیش‌بینی شود. با وجود اینها، همان‌طور که در بند نهایی ذکر شد، بعضی از پیشنهادهای اخیر تصویب شد، نه همهٔ آنها^{۲۶}.

مطابق اصل ۴۵ پیش‌نویس، اولویت حق داشتن مسکن با اقشار کم‌درآمد و روستائینان و کارگران بود. اولویت یادشده نمونهٔ آشکاری از توجه اعضای خبرگان قانون اساسی به مصادیق برابری ماهوی است. تقریباً کلیهٔ خبرگان با تبعیض مثبتی که در این اصل تصریح شده بود موافق بودند اما با برداشت‌های گوناگون آن را بیان می‌کردند. مطابق برداشت آقای رشیدیان، در اسلام هیچ گروهی بر دیگری برتری ندارد و همه برابرند. پس باید اقشار مستضعف یا کم‌درآمد را که یک صفت عام است در این اصل بیاوریم. آقای کیاوش پیشنهادی مشابه اصل ۴۵، لکن با شکلی متفاوت، بیان کرد: «اولین وظیفهٔ دولت این است که برای افراد مجرد و خانواده‌های مستضعف به نسبت استحقاقشان تأمین مسکن کند». در اصل پیشنهادی تنها اولویت با خانواده‌ها بود و به افراد مجرد اشاره‌ای نشده بود. بر همین اساس، مورد اعتراض آقای طاهری اصفهانی قرار گرفت. وی با بیانی صریح توجه خود را این‌گونه ابراز نمود: اگر کسی در این مملکت نتوانست خانواده تشکیل بدهد، حق او چه می‌شود؟ به همین سبب بود در اصل نهایی فرد و خانواده قید شد. ضیایی نمایندهٔ دیگری بود که فلسفهٔ اصل یادشده را تشریح کرد؛ فلسفه‌ای که به ماهیت اصلی تبعیض مثبت

۲۶. همان، ج ۳، صص ۱۷۴۶-۱۷۴۵-۱۷۴۴-۱۷۴۰-۱۷۳۹.

نمی‌پرداخت، بلکه به علل جغرافیایی و شغلی موضوع توجه داشت. وی بر این باور بود که فلسفه وجود اولویت افراد کم‌درآمد این است که مردم به شهر سرازیر نشوند و زمین‌های کشاورزی را رها نکنند. سایر دیدگاه‌ها در محدوده نظریات پیش‌گفته به صورت جزئی و فرعی بیان شد^{۲۷}

بررسی قرائت‌های خبرگان قانون اساسی در خصوص تبعیض مثبت به‌عنوان جزئی از مفهوم برابری ماهوی مبین آن است که حفظ و تأمین حقوق افرادی که در شرایط خاص بایستی در امنیت و حمایت قانون قرار داشته باشند، مورد قبول اکثریت آنان واقع شده است.

۲.۲.۲. بررسی دیدگاه‌های پذیرندگان برخی از مصادیق برابری ماهوی

برخی از نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی به برابری التفات بیشتری داشتند و تلویحاً خواستار توسعه برابری ماهوی بودند. هنگامی که اصل مربوط به حقوق خانواده مطرح شد، آقای سرگون بیت اوشانا، نماینده آشوریان، پیشنهادی در راستای برابری ماهوی برای اصلاح آن اصل ارائه نمود. وی گفت بهتر است به جای آنکه پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد، «حقوق مساوی و اخلاق اسلامی» نگارش شود. پیشنهادی که در نهایت پذیرفته نشد و با پاسخ شهید بهشتی روبرو شد. شهید بهشتی معتقد بود که حقوق در اسلام متعادل است و مساوی نیست. اگر مساوی به معنای متعادل باشد صحیح است، ولی به معنی یکسان (نوعی از برابری ماهوی) نادرست است^{۲۸}.

شهید بهشتی در خصوص اصل نوزدهم کنونی قانون اساسی در پاسخ به آقای رستم شهزادی که معترض بود چرا مذهب را در این اصل ذکر نکرده‌اید، این‌گونه پاسخ داد: «آنچه خواستیم در این اصل مشخص کنیم مسأله نفی دخالت نژاد، رنگ و قومیت‌ها در حقوق است»^{۲۹}. همچنین تصریح نمود که هر اصلی مطلبی را بیان می‌نماید و این اصل به‌طور کلی کلی ناظر به مذهب نیست. در این اصل امور طبیعی که جنبه‌های جغرافیایی دارند مطرح

۲۷. همان، ج ۱، صص ۷۸۱ و ۷۸۹.

۲۸. همان، ص ۴۳۵.

۲۹. همان، ص ۶۹۰.

شده است، در صورتی که مذهب جنبه جغرافیایی ندارد. این اصل با الهام از تعالیم متعالی اسلام تنظیم شده است که با تعهد خود، به همه امتیازات نژادی و جغرافیایی که انسان در آن هیچ نقشی ندارد باید خط بطلان کشید و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، مگر بر اساس تقوا^{۳۰}.

آقای شهزادی که از اقلیت‌های دینی است به‌طور تلویحی از نابرابری موجود در اصول قانون اساسی نسبت به زرتشتیان انتقاد می‌کند. وی بر این باور است که مطابق قانون اساسی زرتشتیان و سایر اقلیت‌ها در درجه دوم و سوم قرار گرفته‌اند و از مسندهای سفارت، وزارت، صدارت و قضاوت محروم شده‌اند. بنابراین، به نظر آقای شهزادی چون اقلیت‌ها به‌عنوان شهروند دوم و سوم در قانون اساسی تلقی شده‌اند، در سطحی نابرابر با دین‌داران مسلمان قرار گرفته‌اند^{۳۱}. با وجود این، به باور برخی از محققان، تعدادی از اصول قانون اساسی در حق اقلیت‌های دینی بر اساس تبعیض مثبت استوار شده‌اند. چراکه اساساً در اسلام و قانون اساسی ایران همه افراد و گروه‌های جامعه با یکدیگر برابرند و تنها در قلمرو حقوق شهروندی تبعیض مثبت در حق آنان اعمال شده است^{۳۲} حقوق مذاهب دیگر اسلامی که در اصل دوازدهم قانون اساسی به آن اشاره شده و نیز حقوق دین‌داران غیرمسلمان در اصل ۱۳ در زمره تبعیض‌های مثبتی به‌شمار می‌روند که تحلیل اخیر به آن باور دارد.

اصل ۲۰ کنونی قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند»، پس از بحث و بررسی در مجلس خبرگان به این صورت درآمده است، اما باید یادآور شد که این اصل در پیش‌نویس اولیه به این صورت بود که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد به‌طور مساوی در حمایت قانون قرار گرفته و از حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی طبق مقررات شرع که

۳۰. علی، مشهدی و همکاران، «دستورگرایی جوهری در اندیشه حقوق اساسی و اسلامی شهید بهشتی»، حقوق اسلامی، ش ۶۲ (۱۳۹۸)، ص ۱۷۲.

۳۱. عبدالکریم، لاهیجی، «مروری بر وضع حقوقی ایرانیان غیرمسلمان»، ایران‌نامه، ش ۷۳-۷۴ (۱۳۸۰-۱۳۷۹)، ص ۲۶.

۳۲. محمدجواد، جاوید، «تبعیض مثبت در اسلام و حقوق اقلیت‌های دینی در حکومت اسلامی»، حکومت اسلامی، ش ۱ (۱۳۹۲)، ص ۱۵۱.

متناسب با استعدادها و زمینه‌های طبیعی و عاطفی و روحی هر کدام است برخوردارند». دیدگاه شهید بهشتی در مورد این اصل این چنین بود که همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساوی‌اند.^{۳۳}

از سوی دیگر در پاسخ به آقای محمد جواد باهنر که در جلسه بیست و چهارم خبرگان قانون اساسی بیان داشت که «دو مسأله در برابر قانون و در مقابل قانون یک حقی است، یعنی اینکه همه افراد اعم از زن و مرد حق دارند که قانون مربوط درباره آن‌ها به صورت یکسان اجرا شود». وی این چنین توضیح داد: آقای باهنر باید توجه و دقت بفرمایند که پرسش و پاسخ باید روشن باشد و آنچه دوستان شما و حتی خود آقای موسوی که در اول آمدند و گفتند: چرا کلمه «حمایت» را تبدیل به «برابر» کردیم، تصریح کردند که این اصل به دلیل اینکه در اول فصل سوم (حقوق ملت) آمده است، می‌خواهد بگوید که همه افراد (زن و مرد) به صورت یکسان در حمایت قانون باشند و دیگر اینکه «حتی اگر شما بگویید «در برابر قانون»، معنی «در حمایت قانون» می‌دهد و اگر بگویید در حمایت قانون چیزی از در برابر قانون کم ندارد و ما می‌خواهیم حقوق ملت را بیان کنیم و کلمه حمایت است، این اصل که در حقوق ملت آمده است ناظر به این معنی است که در مقابل قانون مساویند و هر چیزی قانون شد اعتبار و اجرایش برای همه یکسان است».^{۳۴}

اگر به اصول پیش‌نویس قانون اساسی بازگردیم، خواهیم دید که در اصل ۱۰۱ به منظور جلوگیری از تبعیض و ... شورای عالی استان‌ها متشکل از نمایندگان شوراهای استان‌ها پیش‌بینی شده است. با اینکه اعضای خبرگان قانون اساسی به نابربری توجه داشتند و در جهت جلوگیری از آن شورایی مردمی در قانون اساسی پیش‌بینی نموده‌اند، اما نص یادشده مشخص نکرده است منظور از تبعیض چه نوع تبعیضی است؟ به همین علت، سرگون بیت اوشانا این سؤال را مطرح کرد که آقای منتظری به او پاسخ داد. از فحوای جواب وی برمی‌آید که احتمالاً منظور از این تبعیض برابری ماهوی است، مخصوصاً با توجه به اینکه سایر اعضای خبرگان قانون اساسی نظر مخالفی بیان نکردند. آقای منتظری گفتند که

۳۳. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، صص ۶۱۵ و ۶۹۰.

۳۴. علی، مشهدی و همکاران، پیشین، ص ۱۷۳.

منظور از تبعیض این است که هیچ نابرابری بین استان‌ها وجود نداشته باشد، به این صورت که برای همه استان‌ها به یک میزان بودجه تعیین کنند و بالا و پایین در میزان بودجه بین استان‌ها وجود نداشته باشد.^{۳۵} گرچه این مثال ممکن است با ایراد تناسب بودجه و جمعیت و طبعاً عدم تعادل بودجه‌ریزی مواجه شود،^{۳۶} اما برای توضیح نوع نابرابری کافی است، با این حال، آن‌گونه که در زیر خواهیم دید، رفع این نابرابری ماهوی، بُعد مالی و اعتباری و احتمالاً اداری و اجرایی دارد و سایر برابری‌های ماهوی را دربر نمی‌گیرد.

هنگام طرح و تصویب بند سوم اصل ۳ (آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی)، برخی نظیر آقای هاشمی‌نژاد خواستار تصریح حق تربیت بدنی در اصل دیگری شدند که خواسته ایشان تصویب نگردید. نماینده دیگر (آقای کیاوش) معنای تربیت بدنی رایگان را پرسید که از سوی نایب رئیس پاسخ داده شد. تفسیرها نیز با حقوق مندرج در این بند متفاوت بود. عده‌ای (آقای خامنه‌ای) با پذیرش آموزش رایگان، چنین حقی را از جلوه‌های انقلاب فرهنگی می‌دانستند. آقای فاتحی حق آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را موجب تحقق عدل تلقی می‌کرد، همان‌طور که اسلام به آن اشاره نموده است. به باور دیگری (آقای غفوری) گرچه آموزش و پرورش رایگان خواست مردم است، اما باید اجباری شود؛ پیشنهادی که مقبول خبرگان واقع نشد.^{۳۷}

یکی دیگر از مصادیق برابری ماهوی در مجلس خبرگان قانون اساسی که ریشه‌ای دینی و اخلاقی دارد، در اصل ۸ پیشنهادی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر متجلی شده است. زیرا افراد ملت و مردم و دولت را برابر می‌انگارد. در واقع، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل قلمداد شده است. با مطالعه‌ای در متن مشروح مذاکرات در خصوص این اصل، اختلاف اساسی و ماهیتی میان خبرگان قانون اساسی مشاهده نمی‌شود. تعداد اختلافات اندک و جزئی و از جنس اجرایی بود. توضیح آنکه فاتحی معتقد بود که اجرای این امر زیر نظر یک سازمان هرج و مرج ایجاد خواهد کرد و

۳۵. همان، پیشین، ج ۲، صص ۹۹۴-۹۹۵.

۳۶. ابوالفضل، زنجیری، و علی، بادامچی، حقوق مالی و مالیه عمومی، (تهران: مجد، ج ۱۱، ۱۳۹۰)، ص ۱۳۳.

۳۷. همان، پیشین، ج ۱، صص ۲۸۳-۲۸۵-۲۸۷-۲۹۳.

موضوع آیه انتهایی اصل ۸ این است که دولت و مردم امر به معروف و نهی از منکر را بشناسند و به آن عمل کنند.^{۳۸} به تعبیری، به باور وی آیه تصریح شده جنبه ارشادی دارد و نه اجرایی. متقابلاً آقای طاهری خرم‌آبادی بر این باور بود که ممکن است کارمندی حرفی بزند و نهی از منکر را تأیید کند، اما به آن عمل نکند. پس باید وزارتخانه‌ای باشد تا بر ادارات نظارت کند.^{۳۹} سایر اختلافات مربوط به کیفیت این اصل در قانون عادی بود که در نهایت، اصل پیشنهادی به همان کیفیت نخست از سوی اکثریت اعضا به تصویب رسید.^{۴۰}

افزون بر اینها، اصل ۴۸ کنونی جلوه دیگری از پذیرش برابری ماهوی است. به موجب این اصل «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد». در خصوص این اصل نیز اختلاف نظر جدی و بنیادینی در مورد برابری ماهوی در مشروح مذاکرات به چشم نمی‌خورد، اما برخی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در راستای محکم‌کاری پیشنهادهایی را اقامه نموده‌اند. رئیس مجلس پیشنهاد داد که «باید تبعیض در کار نباشد» در انتهای جمله اول اصل یادشده قید شود.^{۴۱} پیشنهادی که مقبول اکثریت اعضا افتاد. آقای عضدی با ابراز دیدگاه‌های سوسیالیستی درباره توزیع درآمدها بر این باور بود که درآمد ملی باید هم به استان‌ها و هم به مراکز که عقب‌افتاده اند تعلق گیرد و عبارت «به طوری که نابرابری‌های فاحش اقتصادی بین مراکز به وجود نیاید» قید شود. همچنین طاهری گرگانی پیشنهاد داد که به جای تبعیض در کار نوشته شود: «رعایت عدالت و اولویت»^{۴۲}؛ پیشنهادی که در ساحت تبعیض مثبت قرار می‌گیرد.

۳۸. همان، ص ۴۰۹.

۳۹. همان، ص ۴۱۰.

۴۰. همان، ص ۴۱۱.

۴۱. همان، ج ۳، ص ۱۴۹۲.

۴۲. همان، ۱۴۹۳ق.

۳.۲. توصیف دیدگاه‌های اختلافی خبرگان قانون اساسی دربارهٔ برابری ماهوی

برای اثبات اینکه تعدادی از مصادیق برابری ماهوی به‌طور همه‌جانبه و تمام‌عیار در قانون اساسی تأیید نشده است، علاوه بر اصول یادشده در قانون اساسی می‌توان از سخنان نمایندگان مدد گرفت. تعداد قابل‌توجهی از اعضای خبرگان قانون اساسی تأکید زیادی بر نگارش اصول قانون اساسی مطابق اصول و احکام اسلام داشتند. برای نمونه، آقایان حسینعلی منتظری و سید محمد خامنه‌ای در ردیف این اعضای خبرگان قانون اساسی جای دارند. آقای خامنه‌ای به فقها به جد توصیه می‌کرد که قانون را مطابق احکام اسلام بنویسند و نقش اسلام در قانون اساسی جنبهٔ تظاهری و شعاری نداشته باشد، بلکه اصولی قانونی تلقی شود و نقشی تعیین‌کننده داشته باشد.^{۴۳}

آقای منتظری بارها بر اسلامی بودن قانون اساسی و رسمی‌سازی مذهب تشیع تأکید می‌ورزید. در این راستا وی معتقد بود که این قانون (اساسی) حقوق همه را تأمین می‌کند. با این حال، برخی معتقدند پیش‌فرض رسمیت دین اسلام و مذهب تشیع و اجرای کامل احکام شرع این است که دین‌داران غیرمسلمان و نیز غیردین‌داران از حقوق برابر با مسلمانان بهره‌مند نخواهند شد و به همین علت به نظر برخی صاحب‌نظران، حقوق بشر و برابری با قرائت رسمی از دین منطبق نیست.^{۴۴} از سوی دیگر، این چالش نظری وجود دارد که برداشت فقها و دین‌داران از اسلام و تشیع متفاوت است و شامل برداشت‌های متکثری از دین اسلام و مذهب تشیع و قواعد و احکام فقهی می‌شود.^{۴۵} بر این مبنا، اجرای اصول و مقررات اسلام و مذهب تشیع ممکن است با قیود و حدود راهبردی، به پذیرش تام یا گزینشی آنها منجر شود.

دو اصل مهمی که می‌تواند حامل برابری ماهوی باشد، عبارت است از اصول ۱۹ و ۲۰ پیش‌نویس. بر اساس اصل ۱۹ همهٔ ایرانیان اعم از زن و مرد از هر قوم و قبیله از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و... سبب امتیاز یکی بر دیگری نخواهد بود. ظاهر این

۴۳. همان، ص ۲۸۲.

۴۴. حسین، بشیریه، آموزش دانش سیاسی، (تهران: نگاه معاصر، چ ۱۲، ۱۳۹۵)، ص ۴۶۵.

۴۵. محمد، مجتهد شبستری، هرمنوتیک، کتاب و سنت، (تهران: طرح نو، چ ۸، ۱۳۸۵)، ص ۱۲۳.

اصل برابری ماهوی (و نیز شکلی) را پیش‌بینی کرده و نابرابری از آن مستفاد نمی‌شود. همچنین قسمت دوم اصل ۲۰ برخورداری همه افراد از کلیه حقوق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... را به‌صراحت قید نموده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، این دو اصل در پیش‌نویس بدون هرگونه دوگانگی و تناقض بیانگر برابری ماهوی هستند، اما پس از طرح اصل بیستم تعداد نسبتاً زیادی از اعضای خبرگان قانون اساسی اصرار بر افزودن قید «مطابق موازین اسلامی» داشتند. آقایان گرجی، کرمی، رحمانی و مکارم شیرازی در ردیف کسانی بودند که پیشنهاد موازین اسلامی را ارائه دادند. در میان همه آنان، تنها دانش‌راد بود که افزودن این قید را به‌منزله محدودسازی حقوق انسان‌ها می‌دانست، از همین رو به نظر وی می‌بایست به‌طور مطلق و بدون قید خاصی نگارش شود.^{۴۶}

پس از بیان این پیشنهادها، هر قانون‌گذاری به نوبه خود استدلالی برای افزودن موازین اسلامی می‌آورد.^{۴۷} به باور آنان، حقوق انسان در اسلام مساوی نیست، اما شکل بیان استدلال‌های هر مقنن متفاوت بود. تهرانی اعتقاد داشت که زن در اسلام نمی‌تواند قاضی یا رئیس‌جمهور شود. آقای رحمانی اصل اخیر را مبهم و موهوم می‌داند. به عقیده وی، در قسمت‌هایی از فقه که امور سیاسی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد، مثل قصاص و دیات و ارث، تفاوت‌هایی وجود دارد و اصلاً تساوی وجود ندارد. از همین رو، عبارت «همه حقوق انسانی» صحیح نیست و تلویحاً می‌گوید که باید «همه حقوق اسلامی» به جای آن باشد. به گمان آقای رحمانی، اگر تساوی در همه حقوق باشد که اشکال پیش می‌آید. آقای فاتحی نیز با ابراز سخنان آشکار خویش، رد برابری ماهوی را نشان می‌دهد. وی بر این باور است که در اصل اخیر «همه افراد ملت» بدون قید دین ذکر شده است؛ در صورتی که بی‌دین و بهایی نباید در حمایت قانون باشند و از حقوق کامل سیاسی برخوردار شوند.^{۴۸}

اصل ۲۰ که با قید «موازین اسلامی» به تصویب رسید، افزون بر وجود دوگانگی بین دو

۴۶. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، پیشین، صص ۶۹۱-۶۹۲.

۴۷. محسن، خلیلی، «نگاهی به جایگاه حقوق شهروندی در مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۴۱-۱۴۲ (۱۳۷۸)، ص ۳۲.

۴۸. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ج ۱، صص ۶۱۸ و ۶۹۲.

اصل ۱۹ و ۲۰ و نتیجتاً تقييد^{۴۹} حقوق همه افراد به وسیله موازين اسلامي در اصل بيستم، موجب شد که مفهوم برابري ماهوي شکننده گردد و نيز پاره‌اي از حق‌هاي متأثر از برابري ماهوي را تأمين نکند. گرچه برخي از پژوهشگران معتقدند منظور از موازين، صرفاً احکام اسلامي نيست، بلکه منظور اصول دين و مفهومي ميان راهبردها و احکام حکومتي است.^{۵۰}

يکي از مهم‌ترين مسائل برابري ماهوي در مشروح مذاکرات قانون اساسي، مذاکراتي است که مي‌توان آن‌ها را به برابري ميان زن و مرد مربوط دانست. سخنان رد و بدل شده در مجلس خبرگان قانون اساسي در باب برابري يا نابرابري زن و مرد هم‌زمان با بحث و گفتگو درباره اصول مربوط به خانواده، رياست جمهوري و نيز اصل بيستم مطرح شد. در اين مباحث، اعضاي خبرگان قانون اساسي درباره بهره‌مندی مردان از حقوق اتفاق نظر داشتند و اختلاف آنان بر سر حقوق زنان بود. آنان به دو طيفِ مدافع نسبي حقوق زنان و مدافع حداقلی حقوق زنان تقسيم مي‌شوند. البته هر جريان درجات متفاوتی را در درون خود جای مي‌دهد. منظور از مدافع نسبي، مقنني است که خواهان گنجاندن حقوق زنان به صورت تمام‌عيار در قانون اساسي نيست، ليکن به تصويب پاره‌اي از حقوق زنان در قانون اساسي باور دارد. در مقابل، منظور از مدافع حداقلی، قانون‌گذاري است که خواهان آن است که برخي از حقوق زنان در قانون اساسي تصويب شود، ولي آن حقوق قابل توجه و متعدد نيستند؛ به نحوی که چنين مقنني خواستار آن است که زنان از پاره‌اي حق‌ها برخوردار نباشند.

زمانی که اختلافات درباره تساوی حقوق افراد در اصل بيستم افزايش يافت، آقای موسوي تبريزي نماينده‌اي است که تا حدودی در دسته مدافعان حقوق زنان قرار مي‌گيرد، چون تعلق حقوق به زنان و مردان به صورت اختصاصی را روا نمي‌داند. وی مي‌گويد که در پاره‌اي از حقوق سياسي و اقتصادي ميان زن و مرد (نمايندگی، وکالت، صاحب ملک و...)

۴۹. چنين تقييدی (موازين اسلامي) در علم اصول فقه تقييد متصل ناميده مي‌شود. نک: سميراء محمدی، *اصول فقه*، ج ۱، (تهران: دادآفرين، چ ۶، ۱۳۹۶)، ص ۳۱۵.

۵۰. محسن، اسماعيلي و حسين، اميني پژوه، «معناشناسی برخی از هنجارهاي اسلامي با محوريت موازين اسلامي»، دانش حقوق عمومي، ش ۱۱ (۱۳۹۴)، ص ۱۷.

تبعیضی وجود ندارد، اما در حجاب و قتل تکلیف و حق زن متفاوت است.^{۵۱}

آقای بنی‌صدر و خانم منیره گرجی در زمره مدافعان نسبی حقوق زنان بودند. طرح اصل دهم قانون اساسی این دسته‌بندی‌های غیرارادی و ناخواسته را نمایان ساخت. علاوه بر طرح اصل اخیر، خانم گرجی پیشنهادی جداگانه برای حمایت از حقوق زن ارائه داد که از سوی نایب رئیس خوانده شد. مطابق این پیشنهاد زن نقشی بنیادین در خانواده دارد و باید از همه حقوق مادی و معنوی بهره‌مند شود. خانم گرجی به مادران اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. در این راستا این‌گونه اظهار نظر می‌کند که زندگی مشترک نیاستی سبب ایجاد مانع در رشد فرهنگی و آزادی‌های مشروع زن شود. در نهایت، وی پیشنهاد تشکیل دادگاه خانواده را برای پاسداری از حقوق خانواده می‌دهد.^{۵۲} این پیشنهاد سرانجام در اصل ۲۱ قانون اساسی متجلی و مصوب شد.^{۵۳}

همان‌طور که شهید بهشتی پس از قرائت این پیشنهاد گفت، اصل مطروحه تنها درباره نقش زن در خانواده است و راهکارهای حمایتی برای حراست و ضمانت از سایر حقوق زن به‌عنوان بشری مستقل در جامعه به‌طور جامع ارائه نشده است. پس از آنکه آقای مکارم شیرازی پیشنهاد کفایت مذاکرات داد، آقای بنی‌صدر با آن مخالفت کرد و در جایگاه مدافع صریح حقوق زن در روابط خانوادگی ظاهر شد و انتقادات خود را بر این اصل بیان کرد. وی در این راستا گفت: صد سال است که چوب نادیده گرفتن نیمی از جمعیت را می‌خوریم. به روایت او، مرد زن را کتک می‌زند و نامش را «استواری خانواده» می‌نهد. پس از آنکه شهید بهشتی به عدم نیاز جزئیات (صراحت به لفظ استواری خانواده) در قانون اساسی اشاره کرد، بنی‌صدر گفت: حقوق زن ارزش این را ندارد که نوشته شود؟ بعد از او، خانم گرجی نیز هم‌نظر با آقای بنی‌صدر پیشنهاد وی را تأیید کرد.^{۵۴} اصرار این دو نماینده بر حقوق زن بود

۵۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ج ۱، ص ۶۱۶.
۵۲. همان، ص ۴۴۰. برای مطالعه افزون‌تر در خصوص قرائت‌های گوناگون از زن در قوه مؤسس، نک: محسن، خلیلی و نسترن، صالح‌نیا، «مسئله زن در نگرش خبرگان قانون اساسی»، پژوهشنامه زنان، ش ۱ (۱۳۹۱).
۵۳. پیشنهادی که در سال ۱۳۷۶ با تصویب قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی دادگاه خانواده جامه عمل به خود گرفت.

۵۴. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ج ۱، صص ۴۴۴-۴۴۵.

که لفظ استواری وارد اصل مربوطه شد و به شکل همین اصل کنونی به تصویب رسید.

سومین مسئله برابری زنان و مردان، هنگام مذاکرات اصل شرایط ریاست جمهوری نمود یافت. از نگاه عده قابل توجهی از روحانیون و علماء، نظیر آقایان محقق اردبیلی، علامه شمس‌الدین و آیت‌الله سید محمدحسین فضل‌الله، واگذاری مسئولیت به زنان، نه تنها منافاتی با شرع ندارد، بلکه به استناد آیات قرآن امری پذیرفته شده است و به استناد حدیث «ما حکم به العقل، حکم به الشرع» ریاست زنان در جهان امروز امری است باورپذیر^{۵۵}. جالب توجه این است که این اصل (۱۱۵) به هنگام مذاکرات اصول مربوط به قوه مجریه اصلاً مطرح و مصوب نشده، بلکه در مدت نسبتاً طولانی پس از اصول یادشده به تصویب رسیده است.

پیشنهاد‌های متعددی در مورد اصل ویژگی‌های رئیس‌جمهور شدن به دست نایب رئیس رسیده بود. دو پیشنهاد ابتدایی اصطلاح «رجال» در آن‌ها قید نشده بود، اما در پیشنهاد سومی رجال دینی و سیاسی جزء شرایط رئیس‌جمهور شدن ذکر شد. لفظ «رجال» در لغت به معنای مردان آمده است. پس از قرائت اصل سوم، موافقان و مخالفان آماده بیان آرای خویش شدند. اولین مخالف عضدی بود. وی رجال را به معنی مردان در نظر گرفت و شرط «مرد بودن» را لازم ندانست. از طرف دیگر، آقای منتظری، ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی، نخستین نماینده موافق این اصل بود. به باور وی، مرد بودن از مسلمات شروط ریاست در اسلام است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. مطابق برداشت آقای منتظری حکومت‌داری در مقوله حق قرار نمی‌گیرد، بلکه مسئولیت سنگینی است که خداوند نخواسته است که این مسئولیت سنگین را برعهده زنان بگذارد؛ همان‌طور که زنان نمی‌توانند قاضی شوند. البته به گمان وی، این موضوع به معنای بی‌حرمتی و سلب حق یا هتک حرمت به آنان نیست، بلکه به علت مسئولیت سنگین و عواقب بسیار آن است که خداوند چنین مقرر کرده است^{۵۶}.

مخالف بعدی شرط ذکور بودن ریاست جمهوری منیره گرجی است. خانم گرجی قید مرد بودن را لازم نمی‌داند و معتقد است این امر یک کار اجرایی و وکالتی است و موضوعی در

۵۵. کدیور، جمیله، «ریاست جمهوری زنان»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۲۳-۴۳ (۱۳۸۵)، ص ۱۱۰.

۵۶. همان، پیشین، ج ۳، صص ۱۷۶۷-۱۷۶۸.

خصوص ولایت و رهبری که نیست. وی با بیان اینکه حتی اگر زنان به تکامل و پویایی هم برسند، نمی‌توانند در جایگاه رهبری و امامت قرار بگیرند، گفت: ریاست جمهوری یک قدرت اجرایی است که زنان از طریق رهبر اگر لیاقتش را داشته باشند، یعنی دارای امانت و تقوا و حسن سابقه و مؤمن به مبانی اسلام باشند، می‌توانند احراز کنند.^{۵۷}

پس از اینکه اصل پیشنهادی به رأی گذاشته شد، با ردّ نمایندگان روبرو گردید. در این اصل، عبارت «مرد بودن» را به جای «رجال» قید کرده بودند. در این میان، صافی نسبت به این نتیجه اعتراضی غیرمستقیم نشان داد و با کنایه گفت که نمایندگان اصول مسلم اسلام را نیز قبول ندارند. با این حال، سرانجام درباره این اصل رأی‌گیری شد و «رجال مذهبی و سیاسی» به تصویب اعضای خبرگان قانون اساسی رسید.^{۵۸} با عنایت به عدم موافقت اعضا در مورد واژه «مردان» و موافقت با تبدیل آن به رجال، به نظر می‌رسد مردان و زنان ایرانی در دیدگاه اعضای خبرگان قانون اساسی این حق را دارند که به مقام ریاست جمهوری نائل آیند.

بر اساس پیشنهاد اصل ۲۸ کنونی، دولت موظف شده است تا با رعایت نیاز جامعه، مشاغل گوناگونی را برای همه افراد در شرایط مساوی ایجاد نماید. در حقیقت، این اصل گونه‌ای از برابری ماهوی در حوزه اشتغال جهت فراهم‌سازی شرایط برابر برای شغل تک‌تک افراد جامعه است. با وجود این، آقای پرورش در خصوص وظیفه دولت در امر اشتغال و تمایل افراد به داشتن شغل برداشت نادرستی داشت. به گمان وی، طبق بخش ابتدایی اصل یادشده، اگر تمایل افراد در انتخاب شغل مد نظر باشد، وظیفه دولت در شرایط مساوی با تمایل افراد در تناقض قرار می‌گیرد.^{۵۹} با این حال، به نظر می‌رسد تناقضی میان این دو موضوع وجود نداشته باشد. زیرا وظیفه دولت فراهم کردن زمینه اشتغال در شرایط مساوی برای تک‌تک افراد است و هر فرد مخیر است با علاقه و خواست خویش در صورت وجود شرایط برابر، شغل خود را برگزیند. در حقیقت، تکلیف دولت یک موضوع است و تمایل هر فرد موضوعی دیگر.

۵۷. همان، ص ۱۷۷۰.

۵۸. همان، ص ۱۷۷۸.

۵۹. همان، ج ۱، ص ۷۳۲.

از سوی دیگر، آقای طاهری گرگانی در مواردی خاص به تحدید حق انتخاب شغل در شرایط مساوی باور داشت، زیرا به نظر وی، حاکم می‌تواند در نیازهای اجتماعی که واجب کفایی است، افراد را به داشتن شغل مجبور کند.^{۶۰} روشن است که در این خصوص تمایل افراد در شرایط برابر معنای واقعی خود را از دست می‌دهد. سخنان دیگری که با موضوع برابری ماهوی ارتباط مستقیم داشت، بیانات نایب رئیس بود که پیشنهاد یکی از نمایندگان را بیان نمود. به موجب این پیشنهاد به جای شرایط مساوی، شرایط مناسب ذکر شود؛ پیشنهادی که حق برابر افراد را می‌تواند در معرض تحدید قرار دهد و دارای ویژگی غیر برابری خواهانه است. با وجود این، نایب رئیس مفهوم شرایط مساوی را تشریح کرد. طبق اظهارات وی، شرایط مساوی به این مفهوم است که دولت شرایط ایجاد شغل را مثلاً برای مهندس و کارگر به طور برابر فراهم کند تا امکان پیدا کردن کار را داشته باشند؛ در واقع، مهندس زودتر از کارگر شغل نیابد.^{۶۱}

برخلاف ارزیابی برابری شکلی و تبعیض مثبت، تأمل در دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی ما را به این نتیجه می‌رساند که به استثنای موارد خاص به سبب مینا قراردادن موازین و احکام دین اسلام و مذهب تشیع در امر تقنین کلان و راهبرد سیاست‌گذاری‌های بنیادین، برابری افراد در قانون و تساوی حق‌ها و آزادی‌های آن اعم از زن و مرد و همه شهروندان صرف نظر از عقاید دینی و سیاسی و حقوقی آنان، اعم از آنکه خواسته یا ناخواسته یا با حسن نیت بوده باشد، سرانجام مورد پذیرش مقننان اساسی واقع نشده است.

نتیجه

همان‌طور که شرح آن رفت، در این تحقیق پس از بیان جنبه نظری برابری روشن شد که برابری مفهومی حقوقی و مدرن دارد. دو قرائت شکلی و ماهوی به تفصیل در مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفت. برآیند کلی بررسی تحقیقی پیش‌گفته، بیانگر آن است که با سیری در مشروح مذاکرات قانون اساسی ۱۳۵۸ می‌توان پی برد که اختلاف عمیق و اساسی در دیدگاه در خصوص برابری شکلی در مجلس خبرگان

۶۰ همان، ص ۷۳۴.

۶۱ همان، ص ۷۳۵.

قانون اساسی به چشم نمی‌خورد و نیز اصول لازم به تصویب رسید. لکن اعضای خبرگان قانون اساسی به‌رغم پذیرش اصل قرائت شکلی، برداشتی نسبی و شکننده از قرائت ماهوی داشتند. به تعبیری بهتر، آنان از یک طرف با وجود اختلافات ظاهری در مورد برداشت شکلی، توانستند آن را بپذیرند و در قانون اساسی درج نمایند. لکن از طرف دیگر، با آنکه پاره‌ای از حق‌های اساسی را که از چشمه برابری ماهوی گرفته شده بود، پذیرفتند، همچون حقوق گوناگون متأثر از تبعیض مثبت و تصویب آنها، اما به سبب دیدگاه‌هایی که از اسلام و شریعت و فقه در راستای تأسیس نظام سیاسی - حقوقی نوپا أخذ کرده بودند و آنها را به‌عنوان رکن اولیه و خطوط راهبردی در قانون اساسی جدید عملی ساختند، برابری ماهوی را به معنای برابری حقوقی کلیه افراد در برخورداری از حقوق گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... در متن قانون اساسی به‌طور کامل تأیید نکردند و در نتیجه، تعدادی از مصادیق برابری ماهوی را بعضاً محدود و مقید تصویب نمودند. قیودی نظیر موازین اسلامی و خطوط راهبردی رسمیت دین اسلام و مذهب تشیع و انطباق کلیه قوانین با آنها، گنجایش تساوی کامل و همه‌جانبه حقوق سیاسی، اجتماعی و... تمامی افراد اعم از زن و مرد و همچنین ایجاد نهاد حقوقی مساوات میان دین‌داران و غیردین‌داران، مسلمانان و غیرمسلمانان و شیعیان و غیرشیعیان را نداشت. بر اساس همین موازین بنیادین نظام حقوقی کشور است که تفاوت‌هایی بین حقوق برابر افراد با قوانین اساسی و عادی مشاهده می‌شود و برداشت و تفسیر خاصی از برابری و مساوات در قانون اساسی کشور مشهود است.^{۶۲} ذکر این نکته ضروری می‌نماید که نگارندگان این مقاله سعی داشتند با استناد به مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، برخی از رویکردهای اعضای خبرگان قانون اساسی به مفهوم برابری را تحلیل و بررسی نمایند.

با وجود اینها، بهتر است شماره اصولی از قانون اساسی با ذکر مفهوم کلی آنها که مرتبط با انواع برابری شکلی و ماهوی است و از سوی اعضای خبرگان قانون اساسی به تصویب رسیده است، بیان نماییم تا میزان پذیرش یا عدم پذیرش برابری در مجلس خبرگان قانون اساسی روشن‌تر شود.

۶۲. عمید زنجانی، عباسعلی، *حقوق اساسی ایران*، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۸۵)، صص ۳۹۶ و ۴۰۴-۴۰۹.

بند نهم اصل ۳: رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه (پذیرش یکی از مصادیق برابری ماهوی).

بند چهاردهم اصل ۳: تساوی عموم در برابر قانون (پذیرش برابری شکلی).

اصل ۴: لزوم سازگاری میان کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلام توسط شورای نگهبان قانون اساسی (اصل اساسی که مبنای تقیید برابری ماهوی (برابری در قانون) است).

اصل ۱۲: رسمیت دین اسلام و مذهب تشیع و احترام به سایر مذاهب اسلامی (تحدید برابری ماهوی)، آزادی مذهبی آنان طبق فقه خود (پذیرش برابری مذهبی در انجام مراسم مذهبی)، رسمیت آنان در دادگاهها در موارد حقوق خصوصی و اعمال مقررات محلی سایر مذاهب اسلامی با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب (پذیرش برابری مذهبی در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه، دعاوی مربوط به آن و مقررات محلی).

اصل ۱۳: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته شده‌اند (تحدید برابری ماهوی).

اصل ۱۹: تساوی حقوق تمامی مردم ایران (پذیرش برابری ماهوی مردم ایران).

اصل ۲۰: بهره‌مندی افراد از کلیه حقوق طبق موازین اسلام (تقیید برابری ماهوی افراد بر اساس موازین اسلام).

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. ایران‌منش، محمدرضا، *مفهوم شهروندی*، (تهران: نگاه معاصر، چ ۱، ۱۳۹۴).
۲. بشیریه، حسین، *آموزش دانش سیاسی*، (تهران: نگاه معاصر، چ ۱۹، ۱۳۹۵).
۳. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، ج ۱۰، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۵).
۴. رنجبری، ابوالفضل و بادامچی، علی، *حقوق مالی و مالیه عمومی*، (تهران: مجد، چ ۱۱، ۱۳۹۰).
۵. زارعی، محمدحسین، *حاکمیت قانون و دموکراسی*، (تهران: خرسندی، چ ۱، ۱۳۹۴).
۶. سن، آمارتیا، *اندیشه عدالت*، مترجم: احمد عزیزی، (تهران: نشر نی، چ ۲، ۱۳۹۴).
۷. *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، ۲ و ۳، (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۴).
۸. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، (تهران: امیرکبیر، چ ۳۶، ۱۳۸۶).
۹. عمید زنجانی، عباسعلی، *حقوق اساسی ایران*، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۸۵).
۱۰. کاتوزیان، ناصر، *گامی به سوی عدالت*، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۲، ۱۳۹۴).
۱۱. مجتهد شبستری، محمد، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، (تهران: طرح نو، چ ۸، ۱۳۸۵).
۱۲. محمدی، سمیرا، *اصول فقه*، ج ۱، (تهران: دادآفرین، چ ۶، ۱۳۹۶).
۱۳. مرکز مالگیری، احمد، *حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها*، (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۴).
۱۴. نیگل، تامس، *برابری و جانبداری*، مترجم: جواد حیدری، (تهران: نگاه معاصر، چ ۱، ۱۳۹۴).
۱۵. ویژه، محمدرضا، *مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی*، ج ۱، (تهران: جنگل، چ ۱، ۱۳۹۰).

- مقالات

۱۶. اسماعیلی، محسن و امینی پزوه، حسین، «معناشناسی برخی از هنجارهای اسلامی با محوریت موازین اسلامی»، *دانش حقوق عمومی*، ش ۱۱ (۱۳۹۴).
۱۷. جاوید، محمدجواد، «تبعیض مثبت در اسلام و حقوق اقلیت‌های دینی در حکومت اسلامی»، *حکومت اسلامی*، ش ۱ (۱۳۹۲).
۱۸. خلیلی، محسن، «نگاهی به جایگاه حقوق شهروندی در مذاکرات مجلس خبرگان بررسی

- نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۱۴۱-۱۴۲ (۱۳۷۸).
۱۹. خلیلی، محسن و صالح‌نیا، نسترن، «مسئله زن در نگرش خبرگان قانون اساسی»، *پژوهشنامه زنان*، ش ۱، (۱۳۹۱).
۲۰. رضایی‌زاده، محمدجواد و کاظمی، داوود، «بازشناسی نظریه خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق)*، ش ۵، (۱۳۹۱).
۲۱. کدیور، جمیله، «ریاست جمهوری زنان»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۲۲۳-۲۲۴ (۱۳۸۵).
۲۲. گرجی اندریانی، علی‌اکبر، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، *حقوق اساسی*، ش ۲ (۱۳۸۳).
۲۳. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر؛ طبری، حامد؛ میرمحمدصادقی، مریم، «تبعیض مثبت: تبعیض عادلانه یا درمان اثرات تبعیض»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۱۴۶ (۱۳۹۰).
۲۴. لاهیجی، عبدالکریم، «مروری بر وضع حقوقی ایرانیان غیرمسلمان»، *ایران‌نامه*، ش ۷۳-۷۴ (۱۳۷۹-۱۳۸۰).
۲۵. مشهدی، علی؛ جلیلی مراد، آیت‌الله؛ دبیرنیا، علی، «دستورگرایی جوهری در اندیشه حقوق اساسی و اسلامی شهید بهشتی»، *حقوق اسلامی*، ش ۶۲ (۱۳۹۸).
۲۶. واعظی، مجتبی، «ارزش حقوقی مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی»، *حقوق اساسی*، ش ۳ (۱۳۸۳).
۲۷. ویژه، محمدرضا، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، *حقوق اساسی*، ش ۲ (۱۳۸۳).

ب) فرانسوی

- Books

28. Mélin-Soucramanien, *Ferdinand, Le principe d'égalité dans la jurisprudence du Conseil constitutionnel*. (PhD diss. Aix-Marseille, 1996.3).
29. Chiara, Preite, *Les constitutions italienne et française et le principe d'égalité: une approche linguistique*. Buon compleanno, Costituzioni. La circolazione di principi e istituzioni tra Europa e America: influenze reciproche tra le Costituzioni di Stati Uniti, Messico, Brasile, Italia, Francia, Spagna. (2008, Vol. 3).

- Articles

30. Monnier, Victor, “Les péripéties de l'égalité en Suisse, de l'époque révolutionnaire à la première Constitution fédérale”, (2006).
31. Otto, Pfersmann, “De l'impossibilité du changement de sens de la constitution”, (2009). *Revue juridique de l'USEK*. — N° 10.